

سحر جعفریان عصر
روزگار
روزنامه نگار

دقت و تمرکزشان بیشتر از مواقعی که نسبت‌های مثلثاتی یا اعداد اتمی عناصر در جدول مندلیف یا قواعد استدلال‌های منطقی را حل و بررسی می‌کنند نباشد، کمتر هم نیست. آن مواقع اگر درگیر دیفرانسیل و مثلثات بودند، حالا در ایام محرم فقط از مدرسه و درس و امتحان و دیپلم و فارغ‌التحصیلی، عشق برایشان به یادگار مانده است؛ عشق به امام حسین(ع) و همین هیئت کوچک فارغ‌التحصیلان مدرسه...

چادر سیاه مادر و سماور مادر بزرگ

کمی بیشتر از ۲۵ سال از روزی که مرثی حقگو چادر سیاه مادرش را سینه‌کش دیوار پیاده‌روی جایی در خیابان شهید کلاه‌دوز کشیده بود، گذشته است. نوجوان بود و هر محرم، شور حسینی در او و تعدادی از دوستانش غوغا می‌کرد. پای چادر سیاه مادر به دیوار، میز کوچکی گذاشتند با بساط چای امام حسین(ع). کاغذی هم نوشتند و بالای چادر سیاه چسباندند: «به هیئت عاشقان امام حسین(ع) خوش آمدید». از سادگی‌اش رهگذران یا سست می‌کردند و لحظه‌ای می‌ایستادند؛ هر چند سماور قدیمی مادر بزرگ به قدر همه رهگذران چای نداشت و مرثی و دوستانش از آن شرمند می‌ماندند. سال بعد اما چادر سیاه و میز و سماور قدیمی حاشیه پیاده‌رو به داربست‌زنی و سماور گازی هیئتی و چند پرس قیقه نذری تبدیل شد و سال‌های بعدتر نیز چراغ هیئت کوچک‌شان را در حیاط و پارکینگ خانه یکی از همسایه‌های آن حوالی روشن کردند.

درس و مشق‌های بعد از مدرسه

هیئت بزرگ‌تر می‌شد و بانیانش هم قد می‌کشیدند. حالا مرثی و دوستانش به سن جوانی رسیده بودند و هر یک در رشته‌ای تحصیلی در دانشگاهی درس می‌خواندند.

فارغ‌التحصیلان عاشقی

درباره هیئتی که توسط دانش‌آموزان سال‌های دور و نزدیک یک مدرسه اداره می‌شود



برخی‌شان اقتصاد و حسابداری می‌خواندند و برخی دیگرشان پزشکی و جامعه‌شناسی. مرآت، مداح هیئت هم سرش با تحصیل گرم بود. با این‌همه سر شلوغی نمی‌گذاشتند کار هیئت زمین بماند؛ از مرثی که حواش هم به خرید زنجیرهای اضافه برای عزاداران مهمان بود و هم مواد غذایی برای پذیرایی و چای گردانی و کش جفت کنی، تا احمد که ۱۰ روز نخست هر محرم کارش دم‌کردن چای با دارچین بود و سهیل که تجهیزات صوتی و لوازم عزاداری را سروسامان می‌داد.

بوی اسپند و چای دارچینی و قهوه ترک

اواسط دهه ۹۰ پای نسل دوم به هیئت عاشقان امام حسین(ع) باز شد و آنها پرچم «لیک یا حسین» را دست گرفتند؛ یکی‌شان علی صراف که حقگو معلم راهنمایش (مشاور و مربی پرورش) بود در مدرسه «حامد». از سسر اخلاق خوش و رفاقت آقای حقگو بود که خیلی از بچه‌های مدرسه از جمله صراف، هیئتی شدند.

مانی و مهدی و محمد و دیگر همکلاسی‌های پایه هشتم و نهم، نسل سوم هیئت هستند که علاوه بر هیئت‌داری، ایده‌هایشان را با آقای صراف که معلم راهنمایشان است مطرح می‌کنند؛ بر بایی غرفه کودک، بخت و طبخ نذری‌های متفاوت از سیب‌زمینی سرخ‌کرده تا لقمه‌های فلافل و برگزای اردوهای آموزشی و تفریحی. مانی و رضا و رامین (برادران دوقلو) علاوه بر فعالیت در موبک هیئت، گاهی یایی هم در آشپزخانه آن دارند؛ و درست سر آشپز نجفی برنج خیس می‌کنند، عدس تمیز می‌کنند، گوشت خرد می‌کنند. بعضی‌هایشان مثل رضا و عماد دیگر آنقدر آشپز حرفه‌ای شده‌اند که در نبود نجفی نذری‌های خوش‌عطر و رنگی می‌پزند. جواد علاوه بر جمع‌آوری نذورات نقدی و غیرنقدی، فهرست کمک‌های ماهانه همکلاسی‌هایش به صندوق هیئت، از ۱۰ هزار تومان تا هر قدر که در توان مالی‌شان بود را به‌روز می‌کند.

چند نسل
هیئت‌داری

تعزیه در تکیه شوفرها

گاراژ قدیمی اسلامی در دهه اول محرم میزبان عزاداران حسینی است

از دیروز نه خودرویی وارد این گاراژ می‌شود و نه خودرویی از آن بیرون می‌رود. کار تعمیرکاران هم تعطیل است و هیچ‌کدام تا شب سوم امام شهادت به آچار نمی‌شوند. همه باید گوشه‌ای از کار هیئت را بگیرند و به جای تعمیر خودروها، مدل بالا و مدل پایین مشتریان، بساط پذیرایی از مهمانان هیئت را روبه‌راه کنند، میان سوگواران سینی چای بچرخانند و به فکر تدارک سفره نذری باشند. اینجا تکیه‌ای است که ۸۰ سال پیش مرحوم حاج حسین عظیمی و همکارانش برپا کردند و چون شغل‌شان شوferی بود، نام آن را «تکیه شوferها» گذاشتند. فرزندان و نوه‌های حاج حسین هم شوfer هستند و چراغ هیئت شوferها را روشن نگه داشته‌اند.

رابعه تیموری
روزنامه‌نگار

کاراژی که دیگر گاراژ نیست

با نزدیک‌شدن به ساعت ۸ شب گاراژها و نمایشگاه‌های اتومبیلی که در همسایگی گاراژ اسلامی ردیف شده‌اند، یکی یکی تعطیل می‌شوند و با خاموش‌شدن روشنایی آنها، نور ملایم سبزرنگی که فضای داخل گاراژ اسلامی را روشن کرده، در پیاده‌رو خیابان قزوین پهن می‌شود. تعمیرکاران بند و بساط کارشان را جمع کرده‌اند و پرچم‌های سبز و سیاه که تصاویری از واقعه کربلا روی آنها نقش بسته، مانند دیواری پارچه‌ای میان اتاقک‌های داخل گاراژ و محوطه باز آن فاصله انداخته است. بانوان و آقایان در دوطرف سکوئی مستطیل شکل وسط محوطه نشسته‌اند و چشم‌به‌راه شبیه‌خوانان هستند که در اتاق کوچیک پشت سکو مشغول تمویض لباسند. قرار است امروز حکایت شک و تردید حر برای به میدان آمدن را روایت کنند و مظفر قربان‌نژاد که در نمایش و واگویی‌کردن این دودلی‌ها موبی سفید کرده یا بلندشدن صدای پیش‌خوانان و پیچیدن نوای طبل و سنج زیر سقف گاراژ به تاخت و پردبیده و یکیکه به صحنه می‌آید.



جدول ۹۴۲۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	*
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

- ۵- واحدی برای اندازه‌گیری زاویه - غیر مترقیه
۶- صدای گوسفند - نوعی برنج مرغوب شمال کشور - قتل سیاسی
۷- احساس ترجم - در پیچه باز و بسته کردن سیلندرهای خودرو - تصویر چاپ شده
۸- انباری برای نگه داشتن برنج - در پیچه کنار کاربراتور خودرو - از اسباب تویز
۹- از نام‌های قرآن - تلاشگر - غله برافشان
۱۰- خمیرمایه - تیزهوش - بز کوهی
۱۱- دانشگاهی معتبر در شهر کمبریج آمریکا - راه رفتن در تاریکی
۱۲- پیش فراول - شماره - پادشاه بزرگ و قدرتمند
۱۳- کامل - آگاه و بیدار - تکراری
۱۴- غذای مخصوص تالش و آستارا - سرمه - به‌جا آوردن
۱۵- رنگ نشده - ملخ دریایی - ورزش فکری

حاصل جدول شماره ۹۴۲۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

افقی:

- ۱- خوردنی شیرین صبحانه - فراوانی و رونق - رهبر حزب نازی
۲- پدیده‌ای نجومی که در هر ماه قمری یک بار رخ می‌دهد - امتحان
۳- تهیدست - شهر گردو در استان همدان
۴- ادب آموختن - وسیله رفت‌و‌رو - کلمه استثنای
۵- قسدم یکپا - سسر کرده - علامت - فیمیری انگلیسی
۶- بزرگ‌ترین زیرسیست بوم‌کره زمین - نوعی پارچه نفیس
۷- بخشندگی - نجس - تند و خشونت
۸- شهر باستانی و قرمز رنگ اردن - آنچه غیر از خدا باشد - فیلمی ساخته رسول ملاقلی‌پور
۹- حواری خائن - پرنسده‌ای با تلافی - پایتخت یونان
۱۰- جنبش سیاسی - موش و گربه کار تونی
۱۱- دندان‌ه سوهان - نوازنده - فریاد بلند - غذای رقیق
۱۲- اهلی، مطیع - آستانه - کیو تر دشتی
۱۳- از درجات قدیم ارتش ایران - حاشا کردن
۱۴- فرق و اختلاف - بسکتبالیست سرشناس آمریکایی یا دو پار قهرمانی در المپیک
۱۵- بسیار کوچک - استارت قدیمی - زیاده‌گو

عمودی:

- ۱- مورد قبول - درخت تیزیزی - گرما
۲- از اعمال حج - سلول - رمان مشهور پاتولو کوئیلو، نویسنده برزیلی
۳- نفست در پای شمال - تروتمند معاصر موسی(ع) - آرنج
۴- متناوب - اسب سیاه - زبان ترکی

واژه‌بازی

قانون

دقیقاً همین حروف الفبا را طوری در خانه‌های خالی قرار دهید که نام سه میوه در جدول دیده شود.



درجه سختی

میانگین

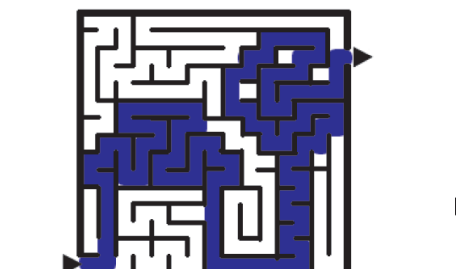
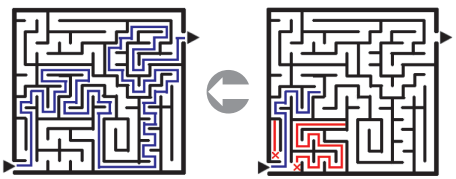
۱۵ دقیقه

نقش‌یاب ماریج

قانون

در این مارپیچ یک تصویر پنهان شده است! برای کشف آن باید «یک خط شکسته ماریج» بیابید که از ورودی مارپیچ وارد شود و از خروجی آن بیرون رود. این خط مارپیچ باید بدون هرگونه «شاخه» و «دوراهی» باشد. در پایان حتما مسیر صحیح را پررنگ‌تر کنید تا تصویر تشکیل شده را ببینید.

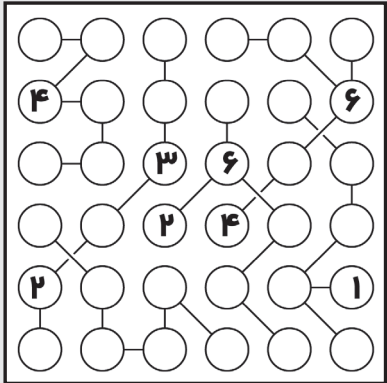
در هر دوراهی، مسیرهای انحرافی بن‌بست را با خطوط کمرنگ مشخص کنید.



سودوکو زنجیره

قانون

خانه‌های خالی را با رقم‌های ۱ تا ۶ طوری پر کنید که در هر یک از سطرها، ستون‌ها و زنجیره‌ها، هیچ رقمی تکراری نباشد.



درجه سختی

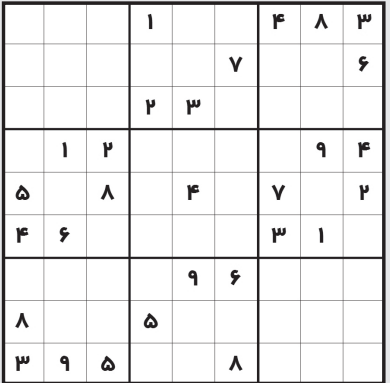
متوسط

۲۰ دقیقه

سودوکو کلاسیک

قانون

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های خالی بنویسید که در هر سطر، در هر ستون و در هر مربع ۳×۳، رقمی تکراری نباشد.



درجه سختی

سخت

۳۰ دقیقه